

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: الکساندر پریلوکوف (ALEXANDER PRILUKOV)

برگردان: ا. م. شیری

۰۴ فبروری ۲۰۲۳

## ستالینگراد آغازی بود بر پایان دشمن



ستالینگراد به نماد شجاعت و پیروزی خلق‌های اتحاد شوروی تبدیل شد.

در ماه اگست ۱۹۴۲، شعری در بالای اعلامیه‌ها چاپ می‌شد که نویسنده آن به دلیل افشای اسرار نظامی (دولتی) قابل تعقیب بود. «مصاحبه ولگا با دُن» بیان این واقعیت بود که دشمن در نزدیکی ستالینگراد محاصره می‌شود و شکست می‌خورد: «دشمن از حلقه محاصره خارج نخواهد شد. اینجا آغازی خواهد بود بر پایان دشمن».



در گرماگرم نبرد ستالینگراد، فرمان شماره ۲۲۷ کمیسر دفاع خلق اتحاد شوروی: «حتی یک قدم به عقب، نه!» در ۲۸ جولای صادر شد. در ۲۳ اگست، شهری در ساحل ولگا با جمعیت بیش از ۵۵۰ هزار نفر (به اضافه ۲۵ هزار نفر تخلیه شده) در اثر بمباران‌های گسترده آلمان‌ها عملاً ویران گردید. اوضاع به شدت متشنج بود. تصمیم اساسی فرماندهی شوروی برای تدارک انجام عملیات تهاجمی «اورانوس» در ۱۳ سپتامبر ۱۹۴۲ اتخاذ گردید. فقط ستالین، ژوکوف و واسیلیوفسکی از این موضوع اطلاع داشتند.

و در این زمان شعری با ایده یک عملیات ستراتیژیک سروده شد. سراینده آن بعداً یادآور شد: «در آن وضعیت فاجعه‌بار، ما هیچ راه نجات دیگری نمی‌دیدیم. فقط پیروزی می‌تواند کشور، جبهه، خانواده‌های ما و هر یک از ما را نجات دهد. چگونه و چه زمانی پیروزی خواهیم شد، هیچ کس نمی‌دانست. آن‌ها با هر سلول، با تمام وجودشان احساس کردند، درک کردند، که غیرممکن است و غیرقابل تصور است اجازه دهیم دشمن از ولگا عبور کند.

در ۲۵ سپتامبر، «مصاحبه...» در روزنامه پرودای سازمان جوانان انتشار یافت. در ۱۹ نومبر، ضد حمله ارتش سرخ در نزدیکی ستالینگراد آغاز گردید. در ۲۴ نومبر، شعری در مورد پیروزی در روزنامه پرودا منتشر شد. اما یوگنی دولماتوفسکی با این وجود به «مسئولیت» جلب شد. در ۲۹ جنوری ۱۹۴۳، سه روز مانده به پایان نبرد ستالینگراد، نشان ستاره سرخ به او اعطا گردید.

\*\*\*\*\*

حمله آلمان از ۱۷ جولای تا ۱۸ نومبر ۱۹۴۲ ادامه یافت. گروهی از نیروهای آلمان و متحدانش که بیش از ۴۳۰ هزار نفر بودند، به ستالینگراد گسیل شدند. با وجود تلفات سنگین، تا نومبر ۱۹۴۲، بیش از ۹۸۷ هزار سرباز و افسر، آلمان (بیش از ۴۰۰ هزار)، ایتالیا (۲۲۰ هزار)، مجارستان (۲۰۰ هزار)، رومانی (۱۴۳ هزار)، فنلاند (۲۰ هزار)، کرواسی (۴ هزار) در منطقه ستالینگراد متمرکز شدند.

جبهه ستالینگراد در ۱۲ جولای ۱۹۴۲ بر اساس فرماندهی میدانی نیروهای جبهه جنوب غربی تشکیل شد. تعداد نیروهای ارتش سرخ شرکت‌کننده در نبرد ستالینگراد تا زمان شروع حمله نازی‌ها کمتر - ۳۸۶ هزار نفر بود. سربازان، متحمل خسارات سنگینی شدند، اما تا نومبر ۱۹۴۲، تعداد پرسنل واحدهای ستالینگراد به ۷۸۰ هزار نفر افزایش یافت. در ۲ فبروری ۱۹۴۳، نبرد ستالینگراد به پایان رسید. در دسامبر ۱۹۴۲، سپس در ۸ و ۲۴ جنوری ۱۹۴۳، ارتش سرخ پیشنهادهایی به واحدهای محاصره شده نیروهای دشمن برای توقف مقاومت بی‌فایده، گذاشتن سلاح‌ها بر زمین و تسلیم ارائه داد. فقط پس از آن «شکافتن» و «انهام» آن آغاز گردید. تا زمان اسارت کمی بیش از ۹۰ هزار سرباز و افسر نیروهای دشمن می‌توانستند زنده بمانند، اما بعد از امتناع از پیشنهادها، حدود ۶ هزار نفر زنده ماند.

چند سال پیش، یک دانش‌آموز اهل اورنگوی در پارلمان آلمان که در مورد دردها و رنج‌ها بر سر قبر «کشته شدگان بی‌گناه»- اسیران «در دیگ به اصطلاح ستالینگراد» که «می‌خواستند در صلح زندگی کنند و نمی‌خواستند بجنگند»، صحبت کرد، مورد تشویق قرار گرفت. پسر مدرسه‌ای و مرشدهای او از پائولوس هم فراتر رفتند. اما فیلد مارشال اسیر ادعا نکرد که هیچ کس نمی‌خواست بجنگد. او پس از ستالینگراد متوجه شد که آلمان و متحدانش با حمله به روسیه شوروی مرتکب «عمل جنایتکارانه» شده‌اند.

شکست در ستالینگراد در سال ۱۹۴۳، آغازی بر پایان آلمان بود. اما تقریباً تمام اروپا در جنوری ۱۹۴۳ همچنان به خدمات خود به هیتلر ادامه دادند، یک نقطه عطف اساسی در جنگ کبیر میهنی پس از نبرد کورسک افتاد، تنها در جولای-اگست ابتکار ستراتیژیک به بدست اتحاد جماهیر شوروی افتاد.

در نبرد ستالینگراد، آلمان ۳۲ لشکر و ۳ تیپ خود را به طور کامل از دست داد. لشکر ۶ میدانی و تیپ ۴ تانک آلمان، لشکر ۸ ایتالیا، لشکر ۳ و ۴ رومانیایی منهدم شدند، ۲۲ لشکر رومانیایی، ۱۰ ایتالیایی و ۱۰ هنگری، یک هنگ کرواسی شکست خورد. دو سپاه رومانیایی به عنوان بخشی از لشکر ۴ توپخانه و رماخت که در اثر از دست دادن روحیه خود قادر به جنگیدن نبودند، به رومانی اعزام شدند.

پس از نبرد ستالینگراد، ایتالیا، رومانی، هنگری، فنلاند، جاپان، ترکیه در برنامه‌های خود برای شرکت در جنگ علیه روسیه شوروی تجدید نظر کردند. امریکا و انگلیس متشنج شد، سربازان آن‌ها در ماه جولای به عملیات نظامی در قاره اروپا (سیسیل) دست زدند.

در کنفرانس تهران (۲۸ نومبر - ۱ دسمبر ۱۹۴۳) فرانکلین روزولت و وینستون چرچیل مجبور شدند برای افتتاح جبهه دوم در فرانسه حداکثر تا می ۱۹۴۴ به یوسف ستالین قول بدهند. ستالین گزینه بالکان (گزینه چرچیل) را نپذیرفت، ولی روزولت از رهبر شوروی حمایت کرد.

\*\*\*\*\*

ستالینگراد به نماد شجاعت و پیروزی خلق‌های اتحاد شوروی تبدیل شد. برای آلمان، همانطور که برخی از مؤرخان آلمانی می‌نویسند، شکست در ستالینگراد سال‌ها به عنوان یک تراژیدی ملی تلقی می‌شد. تنها نیم قرن بعد، آلمان متوجه شد که حمله به اتحاد جماهیر شوروی یک جنایت است. در ماه مه ۱۹۸۵، رئیس جمهور آلمان، ریشارد وایتسکر، با اشاره به موضوع عفو، گفت: «همه ما، مجرم و بی‌گناه، پیر و جوان، باید گذشته را بپذیریم. تمام کسانی که چشمان خود را به روی گذشته می‌بندند، نسبت به حال نابینا هستند». در اواسط دهه ۱۹۸۰، آلمانی‌ها ستالینگراد را اغلب به عنوان یک تراژیدی و اندوه شخصی برای خانواده‌های کشته‌شدگان که به دنبال نابودی روس‌ها در ولگا بودند، می‌فهمیدند.

اشتاین مایر، رئیس جمهور آلمان در جون ۲۰۲۱ از موزه آلمان-روسیه «برلین-کارلشورست» بازدید کرد و در آستانه هشتادمین سالگرد حمله آلمان نازی به اتحاد شوروی، یک سخنرانی نیم ساعته ایراد نمود. این سخنرانی گواه این واقعیت بود که رهبری جمهوری فدرال آلمان از مقیاس جنایات آلمانی‌ها با تمام جزئیات در طول سال‌های جنگ مطلع است. اشتاین مایر خاطر نشان کرد: «از همان روزهای اول، تفرق، یهودی‌ستیزی، بلشویسم‌ستیزی و جنون نژادی علیه مردم اسلاو و آسیایی اتحاد شوروی عامل محرک حمله نیروهای آلمانی بود. کسانی که این جنگ را به راه انداختند، مردم را به هر شکل ممکن کشتند و یک وحشی‌گری و بیدادگری بی‌سابقه به نمایش گذاشتند».

امروز، با توجه به این واقعیت که آلمان تصمیم گرفته است که «پلنگ‌ها» (تانک‌های لئوپارد) را به منطقه درگیری در اوکراین بفرستد، قابل توجه است که در سال ۲۰۲۱ اشتاین مایر از آلمانی‌ها خواست تا از میدان‌های جنگ فراموش نشدنی در قلمرو بلاروس، اوکراین، روسیه بازدید کنند: «من بسیار علاقه‌مندم که جوانان، مخصوصاً از مکان‌های فراموش شده در شرق قاره ما، همانطور که مردم برای بازدید از یادواره‌های جنگ جهانی دوم به غرب می‌آیند، بازدید کنند».

در سخنرانی اشتاین مایر در سال ۲۰۲۱، یکی دیگر از اعترافات او جالب توجه بود: «به رغم تمام اتفاقات رخ داده، این واقعیت را که آلمانی‌ها امروز در همین مکان‌ها با مهمان‌نوازی ساکنان بلاروس، اوکراین یا روسیه مواجه می‌شوند... با قلب رئوف استقبال می‌شوند، چیزی جز معجزه نمی‌توان نامید».

چرا آلمان و غرب دوباره می‌خواهند وارثان این معجزه و روسیه را به عنوان ستون فقرات آن نابود کنند؟ چرا امروزه به جای بازدید از مکان‌های خاطره‌انگیز، رژیم نازی اوکراین را با تانک‌ها و تسلیحات آلمانی تجهیز می‌کنند؟ شاید رهبری آلمان از فراموشی رنج می‌برد؟ معلوم می‌شود که این به دلیل فراموشی نیست. روز گذشته، اولاف شولتس،

صدراعظم المان گفت: «ما تصمیماتی را که همیشه در سطح بین‌المللی سنجیده و مورد توافق قرار می‌گیرند، اتخاذ می‌کنیم.»

\*\*\*\*\*

در روند ضد حمله در نبرد ستالینگراد، فرماندهی شوروی همچنین به اقداماتی دست زد که می‌توانست معجزه زنده ماندن را برای مهاجمان نشان دهد. یک بار دیگر یادآور می‌شوم که فرماندهی شوروی یک بار در دسامبر ۱۹۴۲ و دو بار در جنوری ۱۹۴۳ به نیروهای دشمن پیشنهاد داد مقاومت را متوقف کنند، سلاح‌ها را زمین بگذارند و تسلیم شوند. دشمنان علاقه‌مند به معجزه نبودند. پس از امتناع، همان نیروها در هم شکسته و منهدم شدند، تعدادی نیز به اسارت درآمدند.

مقیاس عظیم پیروزی مردم شوروی در ساحل ولگا در مجتمع موزیم منطقه حفاظت‌شده «نبرد ستالینگراد» ولگوگراد در معرض تماشا قرار دارد. در اینجا بیش از ۷ هزار اشیای اهدائی هیأت‌های ۶۵ کشور اروپا، آسیا، افریقا، امریکا به شهر جمع‌آوری شده است. پس از پیروزی‌های نزدیک مسکو و ستالینگراد، اعتبار اتحاد شوروی به طرز باورنکردنی افزایش یافت (در ۱۹۴۱-۲۶ کشور، در سال ۱۹۴۵، ۴۲ کشور با روسیه شوروی روابط دیپلماتیک داشتند). در این موزیم همچنین «شمشیر ستالینگراد» اهدائی پادشاه بریتانیا نگهداری می‌شود. در سال ۱۹۴۳، جورج ششم، پادشاه بریتانیا تصمیم گرفت شمشیر بزرگ شوالیه را به عنوان هدیه به شهر اهداء کند. روی آن کتیبه‌هایی به زبان روسی و انگلیسی حک شده بود:

**«به شهروندان فولادل ستالینگراد**

**هدیه پادشاه جورج ششم**

**به نشانه ادای احترام مردم بریتانیا.»**

«شمشیر ستالینگراد» توسط صنعتگران شهر کاونتری ساخته شده بود. شهری که در سال ۱۹۴۰ در اثر بمباران‌های المان ویران گردید. در سال ۱۹۴۴، پیمان دوستی و همکاری بین ستالینگراد و کاونتری انگلیس امضاء شد. مراسم رسمی اهدای شمشیر در ۲۹ نومبر ۱۹۴۳ (۷ آذر- قوس ۱۳۲۲) در تهران و طی دیدار یوسف ستالین، فرانکلین روزولت و وینستون چرچیل، رهبران کشورهای ائتلاف ضد هیتلر انجام گرفت. ملکه بریتانیا یک هدیه ویژه به شهر ارمغان کرد: یک مرکز تیلیفون با ۱۰۰۰۰ شماره. از طریق انجمن امداد انگلستان شش بیمارستان (صحرائی) به ستالینگراد تحویل گردید... اما اکنون از بریتانیای کبیر سلاح‌های مرگبار به حریم روسیه شوروی سابق عرضه می‌شود. در سال ۲۰۲۰، انگلیس‌ها در «حیات خلوت روسیه» مشغول آموزش پیاده کردن نیروها بودند...

مأخوذ از بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

۱۴ بهمن- دلو ۱۴۰۱